



## اگر قاضی با متهم «قوم و خویش» بود باید چه کرد؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است...

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می‌توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «قرار رد دادرسی» را بررسی کنیم.

آیا می‌دانید قاضی نباید با متهم رابطه خویش و قومی داشته باشد؟ آیا می‌دانید قانون خطوط قرمز را برای دادرسی در نظر گرفته است؟ آیا می‌دانید در چه مرحله‌ای از پرونده می‌توان به صلاحیت قاضی اعتراض کرد؟

وقتی حساب حق و عدالت به میان می‌آید دلمان می‌خواهد کنار قاضی یا دادرسان بنشینیم و تمام راه و چاه اجرای عدالت را از آنان یاد بگیریم. اما تصور کنید که قاضی پرونده، نسبتی با متهم پرونده یا شاکی داشته یا به جهاتی صلاحیت رسیدگی به پرونده را نداشته باشد. به نظر شما باز هم می‌تواند رسیدگی به پرونده را به دست چنین فردی سپرد؟

اصلی‌ترین وظیفه قاضی در دادگاه اجرای عدالت است. یعنی باید درباره یک پرونده طوری حکم دهد که حق به حق دار برسد. برای اجرای عدالت در دادگاه باید حتماً مقدماتی نیز رعایت شود. به عنوان مثال گفته شده حتی قاضی باید درنگاه کردن به شاکی و متهم مساوات را رعایت کند تا حتی به ذهن کسی خطور نکند که ممکن است طرف مقابل از دید قاضی ارجحیت خاصی داشته باشد. به همین دلیل قضاوت در قوانین ایران از رسیدگی به برخی پرونده‌ها که ممکن است چنین شک و شبهه‌هایی را القا کند منع شده‌اند. در این موارد خود قاضی یا دادرسی باید از رسیدگی به پرونده خودداری کند، ولی اگر او هم به هر دلیل این کار را انجام نداد طرف مقابل می‌تواند دادرسی را اصطلاحاً رد کند.

این اعتراض می‌تواند تا قبل از صدور رای یعنی در جریان تحقیقات مقدماتی نسبت به دادستان و بازپرس یا اعتراض به قاضی صادر کننده رای در دادگاه باشد.

نکته: کارشناس منتخب از سوی دادرسی هم قابل رد است. دلایل رد کارشناس همان دلایل رد دادرسی است.

### ورود خویشاوندان ممنوع

در یک دادرسی عادلانه هیچ‌گاه دادرسی با طرفین پرونده یعنی شاکی و متهم و همچنین با شرکا و معاونان جرم رابطه خویشاوندی ندارد. برای روشن شدن قضیه همیشه این فرمول را به یاد داشته باشید که خویشاوندان یا ناشی از رابطه خونی است که به آن می‌گوئیم نسبی یا ناشی از ازدواج است که می‌شود سببی.

رابطه سببی خود شامل والدین و فرزندان شخص می‌شود و در طبقه بعد شامل اجداد خواهر و برادر و فرزندان آن‌ها و در آخر نیز شامل دایی و خاله خواهد بود.

### خطوط قرمز دیگری برای دادرسان

علاوه بر آن چیزی که گفتیم قانون برخی باید و نباید دیگر را نیز برای دادرسی در نظر گرفته است. مثلاً دادرسی نمی‌تواند قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد. به زبان ساده‌تر قاضی حق ندارد رسیدگی به یک پرونده را به عهده بگیرد که نزدیکی

خاصی با یکی از طرفین دعوا داشته باشد. حالا فامیلی و خویش و قومی هم نه نباید حتی مشاور یا مباشر یکی از طرفین پرونده یا همسر وی باشد.

در مورد دیگر قانون به ارث بری توجه کرده است. یعنی دادرس حق ندارد به پرونده ای رسیدگی کند که در آن خودش همسرش یا فرزندش از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم ارث ببرند.

این خط قرمز درباره پرونده‌ها؛هایی نیز صدق می‌کند که قاضی پرونده قبلا بحث هر عنوان یا سمتی درباره آن موضوع اظهار نظر کرده است. این موضوع درباره شهادت نیز صادق است. یعنی دادرس نمی‌تواند پرونده ای را که در آن، شاهد یکی از طرفین بوده است قبول کند.

مورد بعدی به دعوی میان دادرس و یکی از طرفین پرونده مربوط می‌شود. یعنی قاضی نمی‌تواند بررسی پرونده ای را قبول کند که قبلا بین او پدر و مادر همسر و یا فرزندش و یا پدر و مادر همسر و یا فرزند او دعوی حقوقی یا کیفری مطرح شده است. البته در این باره استثنایی هم هست، یعنی اگر چنین موضوعی بوده و بیش از دو سال از آن گذشته باشد مشمول این خط قرمز نمی‌شود. موضوع آخر نیز این است که دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشد.

#### اعتراض به صلاحیت در مرحله مقدماتی

بد نیست بدانیم که حتی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا و قبل از ارسال پرونده به دادگاه هم می‌توانیم به صلاحیت دادستان و بازپرس ایراد بگیریم.

در اینجا نیز مقامات قضایی دادسرا باید در صورت وجود جهات رد دادرس از رسیدگی امتناع کنند. شاکی مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌تواند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کند.

در صورت قبول ایراد دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌کنند و رسیدگی حسب مورد به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود، در غیر این صورت باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد ابلاغ شود.

مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند رای دادگاه در این مورد قطعی است. خوب است بدانید صدور قرار رد ایراد مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست.

#### قفل زمان بر پای اعتراض به صلاحیت در مرحله دادگاه

اگر یکی از طرفین دعوا به این نتیجه برسد که قاضی رسیدگی کننده به پرونده صلاحیت رسیدگی ندارد مثلا اگر قبلا در همان امر کیفری اظهار نظر ماهوی کرده است می‌تواند نسبت به آن دادرس اعتراض کند.

البته این اعتراض مهلت دار است. به این ترتیب که طرح ایراد فقط تا قبل از صدور رای مهلت دارد، اما اعتراض به خاطر وجود جهات رد دادرس پس از صدور حکم نیز امکان پذیر است.

#### ایراد دادرس چگونه اتفاق می‌افتد؟

وقتی طرفین پرونده ایراد دادرسی را مطرح می‌کنند دو حالت اتفاق می‌افتد. در حالت اول دادرسی دلیل طرفین یا یکی از طرفین دعوا را برای عدم رسیدگی می‌پذیرد و از ادامه رسیدگی انصراف می‌دهد و آن را به یک دادرس دیگر در همان دادگاه می‌سپارد. البته گاهی نیز پیش می‌آید که دادرس علی البدل یا شعبه دیگر در دسترس نیست و به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به نزدیک ترین مرجع قضایی هم عوض فرستاده می‌شود. مثلا پرونده از کرج به تهران منتقل می‌شود اما به شیراز نمی‌رود.

در حالت دوم دادرس زیر بار عدم صلاحیت خویش نمی‌رود. در اینجا وی باید ظرف سه روز قرار رد ایراد را صادر کند و به رسیدگی خود ادامه دهد. اگر طرفین دعوا این قرار دادرس را قبول نداشته باشند می‌توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ این تصمیم یعنی قرار رد ایراد اعتراض و این اعتراض را در دادگاه صالح مطرح کنند. به یاد داشته باشید بدون تشریفات زمانی و

در خارج از نوبت به این اعتراض رسیدگی می‌شود.

اعتراض در دادگاه؛ های چند عضوی

برخی از دادگاه‌ها؛ مثل دادگاه کیفری استان با حضور چند قاضی تشکیل می‌شود که ممکن است به قاضی یا قضات این دادگاه اعتراض شود در این باره نیز چند حالت متصور است.

در حالت اول اگر نسبت به یکی از قضات ایراد وارد شود و آن قاضی به خودی خود از رسیدگی امتناع کند دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و به دعوی رسیدگی می‌کند، اما اگر آن قاضی ایراد رد را نپذیرد همان دادگاه مثلا دادگاه کیفری بدون حضور قاضی مورد ایراد در وقت اداری به این ایراد رسیدگی می‌کند و قرار رد یا قبولی ایراد را صادر می‌کند.

در حالت دوم ممکن است به چند تن از قضات دادگاه ایراد واقع شود و آن‌ها ایراد رد را قبول نکنند در این شرایط چنانچه تعداد قضات باقیمانده شعبه اکثریت را تشکیل دهد اکثریت اعضا بدون حضور اعضای مورد ایراد و در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کنند، اما اگر تعداد باقیمانده اعضای شعبه در اقلیت باشند و امکان انتخاب جایگزین نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید.

همچنین اگر شعبه دیوان درخواست رد را وارد بداند پرونده برای رسیدگی به دادگاه هم عرض ارجاع می‌شود.